رویش روان شناسی، سال۱۴، شماره ۱۱، شماره پیاپی ۱۱۶، بهمن ۱۴۰۴
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),14(11), 2026

پیش‌بینی تعهد زناشویی زوجین بر اساس سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه

Predicting couples' marital commitment based on attachment styles and early maladaptive schemas

سارا ابل زاده
کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان شناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
مجید محمودی مظفر (نویسنده مسئول)
استادیار روان شناسی، گروه روان شناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Sara Abelzadeh
Master of Clinical Psychology, Department Of Psychology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Majid Mahmoodi Mozafar *
Assistant Professor, Department Of Psychology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
moshaverran@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی تعهد زناشویی زوجین بر اساس سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش زوج‌های مراجعه کننده به مراکز مشاوره منطقه ۷ کرج در سال ۱۴۰۳ بودند. به روش نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه تعهد زناشویی (DCI، آدامز و جونز، ۱۹۹۷)، مقیاس سبک دلبستگی بزرگسال (RAAS، کولینز و رید، ۱۹۹۰) و فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه (YSQ-SF، یانگ، ۱۹۹۸) بودند. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که بین کلیه‌های حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با تعهد زناشویی رابطه منفی معنادار و بین سبک دلبستگی ایمن با تعهد زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد (p‹۰/۰۱). از سویی دیگر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی در مجموع قادر به پیش‌بینی متغیر ملاک بودند و توانستند که ۵۰ درصد از تغییرات تعهد زناشویی زوجین را تبیین کنند (p‹۰/۰۰۱). این نتایج نشان می‌دهد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی تبیین‌کننده تعهد زناشویی زوجین هستند و بر اهمیت توجه به این عوامل در بهبود تعهد زناشویی تأکید می‌کند و لزوم تقویت این عوامل را در برنامه‌های زندگی زناشویی نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: *سبک‌های دلبستگی، تعهد زناشویی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه.*

Abstract

This study aimed to predict marital commitment among couples based on attachment styles and early maladaptive schemas. The present research employed a descriptive-correlational design. The statistical population consisted of couples visiting counseling centers in District 7 of Karaj in the year 2023. Using convenience sampling, a sample of 384 participants was selected. The research instruments included the Marital Commitment Inventory (DCI; Adams & Jones, 1997), the Adult Attachment Scale (RAAS; Collins & Read, 1990), and the short form of the Young Schema Questionnaire (YSQ-SF; Young, 1998). Data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and multiple regression analysis. The findings revealed a significant negative correlation between all domains of early maladaptive schemas, as well as anxious and avoidant attachment styles, with marital commitment. Conversely, a significant positive correlation was found between secure attachment style and marital commitment ($p<0.01$). Furthermore, early maladaptive schemas and attachment styles collectively predicted the criterion variable, accounting for 50% of the variance in couples' marital commitment ($p<0.001$). These results indicate that early maladaptive schemas and attachment styles are significant predictors of marital commitment, underscoring the importance of addressing these factors in enhancing marital relationships. The findings highlight the need to strengthen these components within marital life programs.

Keywords: *Attachment Styles, Marital Commitment, Early Maladaptive Schemas.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : اردیبهشت ۱۴۰۴** **پذیرش: خرداد ۱۴۰۴** **ویرایش نهایی: بهمن ۱۴۰۴**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

مقدمه

ازدواج به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختار جامعه و زندگی فردی افراد ایفا می‌کند. این پیوند که بر اساس عشق، احترام و تفاهم شکل می‌گیرد، نه‌تنها باعث اتحاد دو نفر می‌شود، بلکه اساس تشکیل خانواده، تربیت فرزندان و ارضای نیازهای عاطفی، روانی و اجتماعی زوجین را فراهم می‌آورد (مک کارتی[1]، ۲۰۲۲). با این حال، تداوم و موفقیت زندگی مشترک به عوامل متعددی وابسته است که در این میان، تعهد زناشویی[2] به عنوان یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های پایداری رابطه مطرح می‌شود (لین[3] و همکاران، ۲۰۲۲). تعهد زناشویی به معنای احساس مسئولیت، وفاداری و پایبندی عاطفی و عملی زوجین به رابطه و تمایل به حفظ و تقویت آن در طول زمان تعریف می‌شود. این مفهوم در نظریه‌های مختلف روانشناسی از جمله مدل سه‌بعدی استرنبرگ و نظریه سرمایه‌گذاری راسبالت مورد تأکید قرار گرفته است (ربیعی و همکاران، ۱۴۰۳). تعهد زناشویی نقش حیاتی در کاهش تنش‌های رابطه، افزایش رضایت زناشویی، کاهش احتمال طلاق و ایجاد حس امنیت و اعتماد بین زوجین دارد (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۱). در واقع، فقدان تعهد یا ضعف در آن می‌تواند رابطه را در مواجهه با چالش‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی مشترک، آسیب‌پذیر کند (جبرییل زاده و شماخته، ۱۴۰۳). مطالعه‌های متعدد نشان داده‌اند که زوج‌های با تعهد بالا بهتر می‌توانند بحران‌های زندگی را مدیریت کنند و در مواجهه با مشکلات انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان می‌دهند (لطیفا[4] و همکاران، ۲۰۲۱). در واقع، فقدان تعهد یا ضعف در آن می‌تواند رابطه را در مواجهه با چالش‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی مشترک، آسیب‌پذیر کند و احتمال بروز مشکلات ارتباطی را افزایش دهد و همچنین تعهد زناشویی با سلامت روانی بهتر و رضایت از زندگی بالاتر در هر دو شریک زندگی مرتبط است (نعمتی[5] و همکاران، ۲۰۲۲).

یکی از متغیرهایی که در تعهد زناشویی نقش دارد، سبک‌های دلبستگی[6] است (کوسوماواردهانی[7] و همکاران، ۲۰۲۴). سبک‌های دلبستگی ریشه در تجربیات دوران کودکی و کیفیت ارتباط فرد با مراقبان اصلی خود دارد (شارف[8]، ۲۰۲۱). ایده‌ی اصلی نظریه دلبستگی این است که افراد بشر به واسطه‌ی میل به بقا، پیوندهای هیجانی را شکل می‌دهند و به این واسطه از دوران نوزادی یک سیستم رفتاری دلبستگی برای تنظیم نزدیکی به مراقب شکل می‌گیرد (تامپسون[9] و همکاران، ۲۰۲۲). نظریه دلبستگی بالبی مبتنی بر این امر است که پیوندهای عاطفی نخستینی که بین کودک و مادر در قالب الگوهای عملی درونی می‌شوند به گستره وسیع روابط بین شخصی کودک در آینده تعمیم می‌یابند و الگوی این روابط یعنی سبک‌های دلبستگی در طول زندگی نسبتاً پایدار می‌مانند (کلر[10]، ۲۰۲۱). در فرایند شکل‌گیری این روابط والدین پایگاهی ایمن برای کودک فراهم می‌آورند که بر اساس آن تجربه‌ها سازماندهی می‌شود و با درماندگی‌ها مقابله می‌شود (روبلدو[11] و همکاران، ۲۰۲۲). سه سبک دلبستگی اصلی شامل ایمن، اضطرابی و اجتنابی است. افراد با دلبستگی ایمن، به دلیل تجربیات مثبت در کودکی، اعتماد بالایی به خود و دیگران دارند، به راحتی به شریک زندگی‌شان نزدیک می‌شوند و در عین حال، استقلال عاطفی سالمی را حفظ می‌کنند (کومت[12] و همکاران، ۲۰۲۴). در مقابل، افراد با دلبستگی اضطرابی، به دلیل بی‌ثباتی در دریافت محبت در دوران کودکی، همواره نگران طرد شدن هستند، نیاز مفرط به تأیید دیگران دارند و در روابط خود حس ناامنی را تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، افراد با دلبستگی اجتنابی، به دلیل تجربیات طردکننده یا بی‌تفاوتی مراقبان، از صمیمیت عاطفی دوری می‌کنند، استقلال را به روابط نزدیک ترجیح می‌دهند و در برابر وابستگی عاطفی مقاومت نشان می‌دهند (جانشن[13] و همکاران، ۲۰۲۴). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سبک دلبستگی ایمن با تعهد زناشویی بالاتر و گرایش به خیانت پایین‌تر مرتبط است (سلطان زاده رضامحله، ۱۳۹۹)، در حالی که سبک‌های اضطرابی و اجتنابی معمولاً با کاهش تعهد و نارضایتی در رابطه همراه هستند (محمودپور و همکاران، ۱۳۹۷) و به ویژه

1 McCarthy
2 marital commitment
3 Lin
4 Latifa
5 Nemati
6 attachment styles
7 Kusumawardhani
8 Scharfe
9 Thompson
10 Keller
11 Robledo
12 Comte
13 Janshen

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

افرادی که سطوح بالایی از اضطراب یا اجتناب را تجربه می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که درگیر خیانت زناشویی شوند (قیاسی[1] و همکاران، ۲۰۲۳).

علاوه بر سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه[2] نیز نقش مهمی در تعهد زناشویی ایفا می‌کنند (جاجرمی و همکاران، ۱۴۰۱). طرحواره‌ها، الگوهای عمیق و پایدار شناختی-هیجانی هستند که در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرند و بر نحوه ادراک فرد از خود، دیگران و جهان تأثیر می‌گذارند (بیشاپ[3] و همکاران، ۲۰۲۲). طرحواره‌های ناسازگار اولیه به باورهایی اشاره دارند که افراد درباره خود، دیگران و محیط خود دارند و معمولاً ناشی از ارضا نشدن نیازهای اولیه، به‌ویژه نیازهای عاطفی در دوران کودکی هستند (ماهر[4] و همکاران، ۲۰۲۲). از آن جا که طرحواره‌ها به‌عنوان چارچوبی برای پردازش اطلاعات عمل کرده و واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به موقعیت‌های زندگی و روابط اجتماعی را تعیین می‌کنند، افرادی که از زندگی‌شان راضی هستند، اطلاعات مربوط به زندگی خود را به گونه‌ای طبقه‌بندی می‌کنند که به نتایج مثبت ختم شود. در مقابل، افرادی که از زندگی خود رضایت ندارند، بیشتر به جنبه‌های منفی مانند افکار منفی، افسردگی و اضطراب توجه نشان می‌دهند (ثیم[5] و چانگ، ۲۰۲۲). این طرحواره‌ها به صورت کلی در پنج حوزه دسته‌بندی می‌شوند. حوزه بریدگی و طرد مثل ترس از رها شدن یا بیاعتمادی که به نیازهای اولیه‌ی دلبستگی و امنیت مرتبط است؛ حوزه خودگردانی و عملکرد مختل مثل وابستگی یا آسیب‌پذیری که ناتوانی در استقلال و مدیریت زندگی را نشان می‌دهد؛ حوزه محدودیت‌های مختل مثل استحقاق یا خویشتنداری ناکافی که با فقدان مسئولیت‌پذیری و مرزهای شخصی مشخص شود؛ حوزه دیگرجهت‌مندی مثل ایثار افراطی یا جلب پذیرش که اولویت دادن به نیازهای دیگران به قیمت نادیده گرفتن خود است و حوزه گوش به زنگی بیش ازحد و بازداری مثل منفی‌گرایی یا کنترل هیجانی که با تمرکز افراطی بر قواعد و سرکوب هیجان‌ها همراه است. این طرحواره‌ها از تجارب منفی کودکی نشئت می‌گیرند و الگوهای ناسازگاری در بزرگسالی ایجاد می‌کنند (پیلکینگتون[6] و همکاران، ۲۰۲۴). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند در تعهد زناشویی اثر منفی داشته باشند، زیرا این باورهای منفی باعث ایجاد تعارضات ارتباطی، کاهش اعتماد و ناتوانی در ایجاد صمیمیت می‌شوند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۱). مهرپویا[7] و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود بیان کردند که اثر مستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تعهد زناشویی منفی و معنادار است.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان بیان کرد که تعهد زناشویی در زوجین متاثر از عوامل مختلفی است و در نتیجه می‌توانند به طرق مختلف نقش خود را نشان دهند و سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان متغیرهای روان‌شناختی بنیادی نقش مهمی دارند. به طور کلی بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی حائز اهمیت است، زیرا این مطالعه به درک عمیق‌تری از عوامل روان‌شناختی مؤثر بر پایداری ازدواج کمک می‌کند. از سویی دیگر نتایج این پژوهش می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزشی و مداخلات مشاوره‌ای برای زوجین مورد استفاده قرار گیرد و درمانگران می‌توانند با شناسایی سبک‌های دلبستگی ناایمن و طرحواره‌های ناسازگار، به زوجین کمک کنند تا الگوهای ارتباطی خود را بهبود بخشند و تعهد زناشویی را تقویت کنند. همچنین این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران حوزه خانواده در طراحی برنامه‌های پیشگیرانه از طلاق یاری رساند. در نهایت، یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای روان‌شناسان، مشاوران خانواده و حتی خود زوجین کاربردی باشد، چرا که با آگاهی از این عوامل، می‌توان روابط سالم‌تر و بادوام‌تری را شکل داد. بنابراین این پژوهش با هدف پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه انجام شد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی بود. جامعه آماری زوج‌های مراجعه کننده به مراکز مشاوره منطقه ۷ کرج در سال ۱۴۰۳ بودند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و به روش نمونه‌گیری در دسترس نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. ملاک‌های

1 Ghiasi
2 early maladaptive schemas
3 Bishop
4 Maher
5 Thimm & Chang
6 Pilkington
7 Mehrpouya

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، حداقل ۱ سال سپری شدن از ازدواج و داشتن حداقل مدرک سیکل، عدم مراجعه به روان‌شناس یا روان‌پزشک در یک سال گذشته و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و پاسخ ندادن به بیش از پنج درصد سؤال‌ها بود. شرکت‌کنندگان به صورت حضوری از طریق پرسشنامه‌هایی که در اختیار آن‌ها قرار گرفت به آن‌ها پاسخ دادند. در پرسشنامه‌ها برای رعایت اصول اخلاقی این عنوان قید شده بود که اطلاعات هر پرسشنامه کاملاً به صورت محرمانه است. پژوهشگران با دقت ملاحظه‌های اخلاقی را رعایت کردند تا از هرگونه آسیب جسمی یا روانی به شرکت‌کنندگان اجتناب کنند که شامل آسیب‌های جسمی، عاطفی و روانی ناشی از شرکت در پژوهش می‌شد. همچنین ذکر شد چنانچه شرکت‌کنندگان تمایل به دانستن نتایج پژوهش را دارند، پس از اتمام پژوهش، نتایج در اختیارشان قرار خواهد گرفت. در نهایت، داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ تحلیل شدند.

ابزار سنجش

پرسشنامه تعهد زناشویی[1] (DCI): این پرسشنامه توسط آدامز و جونز[2] در سال ۱۹۹۷ تهیه شده و دارای ۴۴ ماده است و سه بعد تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری را اندازه‌گیری می‌کند. پرسشنامه روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت گذاری می‌شود. در این پرسشنامه بیشترین نمره‌ای که فرد می‌تواند اخذ کند، ۲۲۰ و کمترین نمره ۴۴ است. آدامز و جونز (۱۹۹۷) روایی محتوا را ۰/۹۰ و پایایی هریک از خرده مقیاس‌های تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری را به روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۹، ۰/۸۶ و آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه را ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. عباسی و همکاران (۱۳۹۵) ضریب همبستگی خرده مقیاس‌ها با کل آزمون را در دامنه‌ای از ۰/۶۶ تا ۰/۸۱ به دست آوردند که نشانگر تایید روایی سازه است. امیرارجمندی و همکاران (۱۴۰۰) پایایی پرسشنامه را با روش ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های شخصی، اخلاقی و ساختاری به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۸۱ و ۰/۸۶ گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های تعهد شخصی ۰/۸۳، تعهد اخلاقی ۰/۸۴، تعهد ساختاری ۰/۸۸ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۲ به دست آمد.

مقیاس سبک دلبستگی بزرگسال[3] (RAAS): این مقیاس توسط کولینز و رید[4] (۱۹۹۰)، طراحی شده و شامل ۱۸ گویه و سه زیرمقیاس (دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی- دوسوگرا) است. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت طیف لیکرت پنج درجه‌ای (از کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. حداقل نمره در هر زیر مقیاس ۰ و حداکثر نمره ۲۴ است. نمره‌گذاری سؤالات ۶،۵، ۸،۱۶،۱۷، ۱۸ به صورت معکوس انجام می‌شود. کسب نمره پایین در دلبستگی ایمن، نشان‌دهنده نبود دلبستگی ایمن و نمره بالا نشان دهنده ایمن بودن دلبستگی است؛ کسب نمره پایین در دلبستگی اجتنابی و اضطرابی نشان‌دهنده دلبستگی اجتنابی و اضطرابی پایین و نمره بالا نشان‌دهنده دلبستگی اجتنابی و اضطرابی بالا است. کولینز و رید (۱۹۹۰)، پایایی به روش آلفای کرونباخ را در زیرمقیاس دلبستگی ایمن ۰/۸۱ و دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا ۰/۷۸ و دلبستگی اجتنابی ۰/۸۵ گزارش کردند و همبستگی این ابزار با پرسشنامه رفتار اجتماعی تگزاس برای دلبستگی ایمن، اضطربی- دوسوگرا و اجتنابی برابر با ۰/۲۹، ۰/۳۰ و ۰/۲۲ به عنوان شاخصی از روایی همزمان گزارش کردند (به نقل از بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰). ناصری کریموند و اعظمی (۱۴۰۰) پایایی به روش آلفای کرونباخ را برای دلبستگی ایمن، اضطرابی-دوسوگرا و اجتنابی به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ گزارش کردند. همچنین پاکدامن (۱۳۸۰) روایی سازه بین زیرمقیاس-های وابستگی و نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب را به ترتیب ۰/۳۱- و ۰/۳۳- و زیر مقیاس نزدیک بودن و اضطراب را ۰/۲۴۶ را گزارش کرد. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای دلبستگی ایمن، اضطرابی-دوسوگرا و اجتنابی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۹ و ۰/۷۷ بدست آمد.

پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ، فرم کوتاه[5] (YSQ-SF): فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره توسط یانگ در سال ۱۹۹۸ (به نقل از اویی و بارانوف[6]، ۲۰۰۷) ساخته شد و دارای ۷۵ ماده است که ۵ حوزه و ۱۵ طرحواره از طرحواره‌های ناسازگار اولیه را می‌سنجد. سوالات بر مبنای مقیاس درجه‌بندی لیکرت ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. اویی و بارانوف (۲۰۰۷) پایایی ابزار را به روش آلفای کرونباخ، برای تک تک خرده مقیاس‌ها بالای ۰/۷۰ گزارش کردند. این پرسشنامه با پرسشنامه پریشانی روان‌شناختی کسلر (۲۰۰۲)

1 Dimensions of Commitment Inventory
2 Adams & Jones
3 Adult attachment style scale
4 Collins & Read
5 Young schema questionnaire short form
6 Oei & Baranoff

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

همبستگی ۰/۴۵ دارد (پیلکینگتون و همکاران، ۲۰۲۳). در ایران صدوقی و همکاران (۱۳۸۷) روایی سازه را از طریق تحلیل عامل بررسی کردند و گزارش کردند که عامل‌های به دست آمده ۶۴/۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. نصیرهرند و همکاران (۱۴۰۱) پایایی این ابزار را از طریق همسانی درونی و با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای پنج حوزه به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۹، ۰/۷۰، ۰/۷۸ و ۰/۷۰ به دست آوردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای پنج حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به زنگی بیش از حد به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۹۰، ۰/۸۳، ۰/۸۸ و ۰/۸۶ حاصل شد.

یافته ها

در پژوهش حاضر ۳۸۴ نفر مشارکت داشتند که ۱۹۲ نفر خانم (۵۰ درصد) و ۱۹۲ نفر آقا (۵۰ درصد) بودند. حدود ۵۰ درصد مدرک دیپلم و فوق دیپلم، ۲۲ درصد مدرک کارشناسی، ۱۸ درصد مدرک ارشد و ۱۰ درصد مدرک دکتری داشتند. میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان به ترتیب ۳۵/۴۳ و ۶/۲۹ بود.

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. حوزه بریدگی و طرد	-								
۲. حوزه خودگردانی	۰/۷۷**	-							
۳. حوزه محدودیت مختل	۰/۴۸**	۰/۵۷۷	-						
۴. دیگرجهت مندی	۰/۴۵**	۰/۵۵۸	۰/۳۹۵	-					
۵. گوش به زنگی	۰/۴۷**	۰/۳۷۲	۰/۲۹۱	۰/۲۴۳	-				
۶. دلبستگی ایمن	-۰/۳۱**	-۰/۲۸**	-۰/۳۳**	-۰/۲۴**	-۰/۳۱**	-			
۷. دلبستگی اضطرابی	۰/۳۸**	۰/۳۳**	۰/۰۸	۰/۳۱**	۰/۲۹**	-۰/۵۴**	-		
۸. دلبستگی اجتنابی	۰/۳۶**	۰/۳۰**	۰/۳۷**	۰/۳۳**	۰/۰۹	-۰/۵۳**	۰/۳۸**	-	
۹. تعهد زناشویی	-۰/۶۱**	-۰/۶۸**	-۰/۴۳**	-۰/۴۱**	-۰/۳۷**	۰/۵۵**	-۰/۵۸**	-۰/۵۷**	-
میانگین	۵۴/۹۱	۳۸/۳۶	۲۵/۹۳	۲۶/۰۷	۲۵/۳۵	۱۳/۶۵	۱۳/۳۹	۱۲/۹۹	۱۱۶/۲۷
انحراف معیار	۱۱/۴۳	۹/۵۱	۶/۵۴	۶/۶	۶/۴۹	۲/۵۷	۲/۶۴	۲/۶۴	۱۷/۷۷
کجی	۰/۰۳۷	-۰/۳۸	۰/۵۸	۰/۵۵۶	۰/۵۱۲	-۰/۳۵۸	-۰/۲۵۶	-۰/۰۷۸	۰/۲۱۳
کشیدگی	-۱/۱۰	-۰/۶۷۶	-۰/۶۵۱	-۰/۷۱	۰/۸۱	-۰/۷۴۷	-۰/۸۴	-۰/۹۱	-۱/۰۹

* P‹۰/۰۵ **P‹۰/۰۱

جدول ۱ نشان داد که بین کلیه‌های حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعهد زناشویی رابطه منفی معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد، همچنین سبک دلبستگی ایمن با تعهد زناشویی رابطه مثبت معنادار و سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی رابطه منفی معناداری در سطح ۰/۰۱ با تعهد زناشویی دارند. همچنین مقادیر کشیدگی و چولگی همه مؤلفه‌ها در محدوده ۲± قرار دارد، بنابراین مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های تک متغیری برقرار بود. بر اساس جدول ۱، فرضیه همخطی بودن در داده‌های این پژوهش تأیید می‌شود، چرا که ضرایب تحمل متغیرهای پیش‌بین بالاتر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس آن‌ها کمتر از ۱۰ بود. برای بررسی نرمال‌بودن توزیع چندمتغیره داده‌ها، از تحلیل فاصله ماهالانوبیس استفاده شد. نتایج نشان داد که مقادیر چولگی و کشیدگی فاصله ماهالانوبیس به ترتیب ۱/۳۰ و ۱/۲۲ است که در بازه ۲± قرار دارد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که فرض نرمال بودن توزیع چندمتغیره برقرار است (مام شریفی و همکاران، ۱۴۰۱). علاوه بر این، نمودار پراکندگی واریانس‌های استاندارد شده خطاها نشان‌دهنده برقراری فرض همگنی واریانس‌ها در داده‌های پژوهش بود. برای تحلیل هدف اصلی پژوهش، از روش رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است:

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

جدول ۲. نتایج ضرایب چندگانه و بررسی معناداری پیش‌بینی تعهد زناشویی از طریق متغیرهای پیش‌بین بر اساس آزمون آنوا

متغیر ملاک	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	sig	R	R^2	R تعدیل شده	دوربین-واتسون
تعهد زناشویی	رگرسیون	۶۰۵۹۰/۳۸۵	۸	۲۰۱۹۶/۷۹۵	۱۲۶/۹۹۹	۰/۰۰۱	۰/۷۱۲	۰/۵۰۶	۰/۵۰۱	۲/۰۳۴
	باقیمانده	۶۰۴۳۱/۹۰۴	۲۹۵	۱۵۹/۰۳۱						
	کل	۱۲۱۰۲۲/۲۸۹	۳۸۳							

همان‌طور که در جدول ۲ قابل مشاهده است، مدل رگرسیونی حاضر با (F=۱۲۶/۹۹۹) معنادار است (p<۰/۰۰۱). همچنین مقدار همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک برابر ۰/۷۱۲ و ضریب تعیین برابر با ۰/۵۰۶ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۵۰۱ به دست آمد؛ بنابراین متغیرهای پیش‌بین قادر به پیش‌بینی ۵۰ درصد از تغییرات متغیر تعهد زناشویی بودند.

جدول ۳. نتایج پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس متغیرهای پیش‌بین

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	t	sig
	B	SE	Beta		
مقدار ثابت	۱۷/۰۵۵	۳/۷۷۱		۴۶/۹۵۵	۰/۰۰۱
۱. حوزه بریدگی و طرد	-۰/۲۶۸	۰/۰۹۴	-۰/۱۷۳	-۲/۸۴۹	۰/۰۰۵
۲. حوزه خودگردانی	-۰/۸۷۱	۰/۱۲۳	-۰/۴۶۶	-۷/۰۹۳	۰/۰۰۱
۳. حوزه محدودیت مختل	-۰/۱۲۷	۰/۱۲۳	-۰/۰۴۷	-۱/۰۳۳	۰/۳۰۲
۴. دیگرجهت مندی	-۰/۰۹۵	۰/۱۱۹	-۰/۰۳۵	-۰/۷۹۹	۰/۴۲۵
۵. گوش به زنگی	-۰/۲۷۱	۰/۱۱۴	-۰/۱	-۲/۳۷۴	۰/۰۱۸
۶. دلبستگی ایمن	۰/۸۰۷	۰/۳۳	۰/۱۱۷	۲/۴۴۶	۰/۰۱۵
۷. دلبستگی اضطرابی	-۲/۵۷۳	۰/۲۹۵	-۰/۳۸۲	-۸/۷۳۷	۰/۰۰۱
۸. دلبستگی اجتنابی	-۲/۵۳۳	۰/۲۹۵	-۰/۳۷۱	-۸/۵۸۶	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول ۳ متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی در تبیین واریانس تعهد زناشویی زوجین نقش دارند. همچنین مقدار ثابت نیز با توجه به معنادار بودن آن در سطح ۰/۰۰۱ در معادله رگرسیونی پیش‌بینی تعهد زناشویی زوجین بر اساس متغیرهای پیش‌بین وارد می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که ۵۰ درصد از تغییرات متغیر تعهد زناشویی زوجین را متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی تعیین می‌کنند و سایر تبیین این متغیر مربوط به متغیرهای دیگر است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی تعهد زناشویی زوجین براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که متغیر سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی رابطه معناداری داشتند و همچنین قادر به پیش‌بینی آن بودند. این یافته با پژوهش‌های کوسوماواردهانی و همکاران (۲۰۲۴)، قیاسی و همکاران (۲۰۲۳)، سلطان زاده رضامحله (۱۳۹۹) و محمودپور و همکاران (۱۳۹۷) همسو بود. در تبیین یافته‌های فوق می‌توان گفت افراد با سبک دلبستگی ایمن در دوران کودکی، مراقبت‌گری پایدار و پاسخگو را تجربه کرده‌اند که به آن‌ها اجازه می‌دهد در روابط بزرگسالی احساس امنیت کنند. این افراد به دلیل الگوهای ذهنی مثبت درباره خود و دیگران، توانایی بیشتری در ایجاد اعتماد، صمیمیت و وابستگی سالم دارند. از طرفی، آن‌ها از مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله بهتری برخوردارند که هنگام مواجهه با تعارضات زناشویی، به جای اجتناب یا اضطراب، به دنبال راه‌حل‌های سازنده هستند (کومت و همکاران، ۲۰۲۴). این ویژگی‌ها منجر به تداوم رابطه و افزایش تعهد می‌شود، چرا که فرد ایمن رابطه را به عنوان منبع امنیت و آرامش درک می‌کند. در مورد سبک دلبستگی اضطرابی، یافته‌ها نشان می‌دهد که این سبک با تعهد زناشویی رابطه منفی دارد. افراد با سبک اضطرابی به دلیل

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

تجربیات کودکی با مراقبان غیرقابل‌پیش‌بینی، دائماً نگران طرد شدن هستند. این ناامنی درونی منجر به رفتارهای چسبنده، حسادت‌آمیز و کنترل‌گرایانه در رابطه می‌شود. از طرف دیگر، این افراد تمایل به خودبیان‌گری افراطی دارند که ممکن است برای شریک زندگی آزاردهنده باشد (جانشن و همکاران، ۲۰۲۴). چنین الگوهای رفتاری به مرور زمان باعث فرسودگی رابطه، کاهش رضایت و در نهایت کاهش تعهد زناشویی می‌شود. همچنین، اضطراب دائمی این افراد مانع از شکل‌گیری اعتماد پایدار می‌شود که سنگ بنای اصلی تعهد در روابط است. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی رابطه منفی با تعهد زناشویی داشت. افراد اجتنابی به دلیل تجربیات کودکی با مراقبان طردکننده، یاد گرفته‌اند که به دیگران اعتماد نکنند. آن‌ها از نظر هیجانی فاصله‌گیر هستند و وابستگی را معادل از دست دادن استقلال می‌دانند. در روابط زناشویی، این افراد از خودافشایی و صمیمیت عمیق اجتناب می‌کنند که این امر مانع شکل‌گیری پیوندهای عاطفی قوی می‌شود. همچنین، آن‌ها در مواجهه با مشکلات رابطه به جای حل مسئله، به استراتژی‌های دفاعی مانند قطع ارتباط هیجانی متوسل می‌شوند. این رفتارها به مرور زمان رابطه را از محتوای عاطفی خالی کرده و تعهد زناشویی را کاهش می‌دهد، چرا که تعهد مستلزم سرمایه‌گذاری عاطفی و روانی در رابطه است (قیاسی و همکاران، ۲۰۲۳).

از سویی دیگر نتایج پژوهش حاضر نشان داد که پنج حوزه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعهد زناشویی زوجین رابطه منفی معناداری دارند و قادر به پیش‌بینی آن بودند. این یافته با پژوهش‌های مهرپویا و همکاران (۲۰۲۲)؛ جاجرمی و همکاران (۱۴۰۱) و قاسمی و همکاران (۱۴۰۱) همسو بود. در تبیین این یافته از پژوهش حاضر می‌توان اذعان کرد که این طرحواره‌ها باعث تحریف‌های شناختی در تفسیر رفتارهای شریک زندگی می‌شوند (پیلکینگتون و همکاران، ۲۰۲۴). فردی با طرحواره‌های حوزه بریدگی و طرد ممکن است رفتارهای عادی شریک زندگی خود را نشانه‌ای از طرد قریب‌الوقوع تفسیر کند. این طرحواره‌ها الگوهای رفتاری ناکارآمدی را ایجاد می‌کنند که به روابط آسیب می‌زند، مانند پرخاشگری در افراد با طرحواره‌های حوزه محدودیت‌های مختل یا وابستگی افراطی در افراد با طرحواره‌های حوزه خودگردانی مختل. طرحواره‌ها توانایی فرد برای حل تعارضات زناشویی را کاهش می‌دهند، چرا که فرد را در چرخه‌های شناختی-هیجانی ناسازگار گرفتار می‌کنند. در حوزه بریدگی و طرد، طرحواره‌هایی مانند رهاشدگی یا بی‌اعتمادی باعث می‌شوند فرد همواره در روابط احساس ناامنی کند و نتواند به شریک زندگی خود اعتماد کند. در حوزه خودگردانی مختل، طرحواره‌هایی مانند وابستگی یا آسیب‌پذیری، فرد را از استقلال لازم برای یک رابطه بالنده محروم می‌کنند. طرحواره‌های حوزه محدودیت‌های مختل مانند استحقاق، باعث می‌شوند فرد نتواند در رابطه سازش کند یا تعهدات زناشویی را بپذیرد. در حوزه دیگرجهت‌مندی، افراد به قیمت نادیده گرفتن نیازهای خود، به خواسته‌های دیگران پاسخ می‌دهند که در نهایت به فرسودگی رابطه می‌انجامد. و نهایتاً طرحواره‌های حوزه گوش‌به‌زنگی مانند منفی‌نگری، فضای رابطه را مملو از استرس و تنش می‌کنند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۱).

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که هم سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و اضطرابی و هم طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پنج حوزه اصلی، رابطه منفی معناداری با تعهد زناشویی دارند. این دو دسته از عوامل روان‌شناختی از طریق مکانیسم‌های مشابهی مانند ایجاد تحریف‌های شناختی، تقویت الگوهای رفتاری ناکارآمد، تضعیف اعتماد و امنیت عاطفی، و اختلال در توانایی حل تعارض‌های زناشویی، به تدریج بنیان‌های تعهد در رابطه را تخریب می‌کنند. در حالی که سبک دلبستگی ایمن به عنوان یک عامل محافظتی عمل می‌کند، طرحواره‌های ناسازگار و سبک‌های دلبستگی ناایمن با ایجاد چرخه‌های تعاملی منفی، فضای رابطه را مسموم کرده و پایداری ازدواج را تهدید می‌کنند.

در زمینه محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به مقطعی بودن اشاره کرد، از آنجایی که مطالعه مبتنی بر همبستگی بود، بنابراین نتیجه‌گیری و استنباط از این مطالعه نیز باید بر اساس روابط همبستگی صورت گیرد نه بر اساس روابط علت و معلولی؛ همچنین در پژوهش حاضر از مقیاس‌های خود گزارشی استفاده شده است. با توجه به اینکه نمونه‌گیری پژوهش حاضر به روش در دسترس بود، در تعمیم نتایج باید محتاط بود. پیشنهاد می‌شود پژوهشی مشابه در سایر شهرها صورت پذیرد و نتیجه‌ی آن با نتیجه‌ی پژوهش حاضر مقایسه گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود مشاوران و روانشناسان بالینی با انجام پژوهش‌های دیگر و بررسی سایر متغیرهای روان‌شناختی، تعهد زناشویی را بهتر و جامع‌تر بررسی کنند و از نتایج این پژوهش در راستای کمک به بهبود شرایط زوجین استفاده کنند.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

منابع

اسماعیلی، م؛ دارایی، ز؛ و شفیعی، ف. (۱۴۰۱). پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده، رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی در کارکنان اقماری. *فصلنامه علمی روانشناسی کار*، ۱(۱). https://doi.org/10.30473/jpsy.2022.8886

امیرارجمندی، ز؛ جهانگیر، پ؛ و نیکنام، م. (۱۴۰۰). تتبیین تعهد زناشویی در زنان متأهل براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و مکان کنترل؛ بررسی نقش میانجی‌گر معنویت. *فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۱۲(۳)، ۳۹۵-۴۰۹. https://doi.org/10.22059/japr.2021.312717.643678

جاجرمی، م؛ مهرپویا، ف؛ و علیزاده موسوی، ا. (۱۴۰۱). روابط ساختاری طرحواره های ناسازگار اولیه با تعهد زناشویی زوجین: نقش واسطه ای سبک های حل تعارض. *دانشکده علوم پزشکی نیشابور*، ۱۰(۱ (پیاپی ۳۴))، ۲۵-۳۹. https://sid.ir/paper/1124583/fa

جبرییل‌زاده، ر؛ و شماخته، م. (۱۴۰۳). نقش تعدیل‌کنندهٔ صمیمیت زناشویی، سازگاری زناشویی، ادراک انصاف زناشویی و تعهد زناشویی در رابطهٔ بین سبک زندگی اسلامی با ثبات ازدواج و احساس مثبت به همسر. *پژوهشنامه روانشناسی اسلامی*، ۱۰(۲۰)، ۱۳۳-۱۶۲. https://psychology.riqh.ac.ir/article_13775.html

ربیعی، ن؛ قنبری پناه، ا؛ کوچک انتظار، ر؛ و کوشکی، ش. (۱۴۰۳). بررسی نقش میانجی رضایت زناشویی در رابطه میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی. رویش روان شناسی، ۱۳ (۶)، ۷۷-۸۶. http://frooyesh.ir/article-1-5137-fa.html

سلطان زاده رضامحله، م. (۱۳۹۹). پیش بینی نگرش به خیانت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و کمال گرایی. *نشریه روانشناسی نوین*، ۱(۱)، ۵۱-۶۴. https://doi.org/10.22034/jmp.1999.129775

قاسمی، ک؛ الهی، ط؛ و یوسفی افراشته، م. (۱۴۰۱). نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه (محرومیت هیجانی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی/بدرفتاری) در تعهد زناشویی با واسطه گری نقش‌های جنسیتی. *پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره*، ۱۲(۱)، ۵-۲۱. https://doi.org/10.22067/tpccp.2022.75842.1266

مام شریفی، پ؛ شعبانیان اول خانسری، س؛ نجفی، ک؛ فرخی، س؛ و امین پور، م. (۱۴۰۱). نقش واسطه ای راهبردهای حل مسئله در رابطهٔ بین باورهای فراشناختی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با تاب آوری در دوران کووید-۱۹. *رویش روان شناسی*، ۱۱ (۴)، ۲۰۵-۲۱۶. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.4.20.3

محمودپور، ع؛ فرحبخش، ک؛ و بلوچ زاده، ا. (۱۳۹۷). پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان بر اساس شیوه‌های دل‌بستگی، خود شفقتی و تحمل پریشانی. *مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۸(۱)، ۶۵-۸۴. https://doi.org/10.22034/fcp.2018.60857

ناصری کریموند، آ؛ و اعظمی، ی. (۱۴۰۰). نقش واسطه ای ادراک شایستگی و حل مسئله اجتماعی در رابطه بین سبک های دلبستگی و پرخاشگری در نوجوانان. *رویش روان شناسی*، ۱۰ (۶)، ۷۵-۸۴. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2383353.1400.10.6.5.5

نصیرهرند، م؛ مکوندی، ب؛ باوی، س؛ و پاشا، ر. (۱۴۰۱). مقایسه اثربخشی طرحواره درمانی و درمان متمرکز بر شفقت بر رضایت از زندگی زناشویی و طرحواره‌های ناسازگار زنان متأهل دانشجوی دانشگاه آزاد اهواز. *دست‌آوردهای روان‌شناختی*، ۲۹(۲)، ۱۰۵- ۱۲۸. https://doi.org/10.22055/psy.2022.39426.2765

Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, *72*(5), 1177–1196. https://doi.org/10.1037/0022-3514.72.5.1177

Bishop, A., Younan, R., Low, J., & Pilkington, P. D. (2022). Early maladaptive schemas and depression in adulthood: A systematic review and meta-analysis. *Clinical psychology & psychotherapy*, *29*(1), 111–130. https://doi.org/10.1002/cpp.2630

Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, *58*(4), 644–663. https://doi.org/10.1037/0022-3514.58.4.644

Comte, A., Szymanska, M., Monnin, J., Moulin, T., Nezelof, S., Magnin, E., Jardri, R., & Vulliez-Coady, L. (2024). Neural correlates of distress and comfort in individuals with avoidant, anxious and secure attachment style: an fMRI study. *Attachment & human development*, *26*(5), 423–445. https://doi.org/10.1080/14616734.2024.2384393

Ghiasi, N., Rasoal, D., Haseli, A., & Feli, R. (2023). The interplay of attachment styles and marital infidelity: A systematic review and meta-analysis. *Heliyon*, *10*(1), e23261. https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e23261

Janshen, A., Boelen, P. A., Schut, H. A. W., & Eisma, M. C. (2024). Do insecure attachment styles predict prolonged grief symptoms? Significant null findings. *Death studies*, *48*(10), 1076–1084. https://doi.org/10.1080/07481187.2023.2300063

Keller, H. (2021). *The myth of attachment theory: A critical understanding for multicultural societies*. Routledge.

Kusumawardhani, S. J., Mayangsari, A., Rustyawati, R., & Reswara, I. P. (2024). Staying in Marriage is Not Enough: Influence of Marital Commitment and Adult Attachment Style on Marital Flourishing. *Sympathic: Jurnal Ilmiah Psikologi*, *11*(1), 99-106. https://doi.org/10.15575/psy.v11i1.33974

Latifa, R., Salsabila, S., & Yulianto, H. (2021). Understanding the relationship between religiosity and marital commitment to marital stability: An investigation on Indonesian female journalists. *Religions*, *12*(4), 242. https://doi.org/10.3390/rel12040242

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

Lin, L., Guo, H., Duan, L., He, L., Wu, C., Lin, Z., & Sun, J. (2022). Research on the relationship between marital commitment, sacrifice behavior and marital quality of military couples. *Frontiers in psychology*, *13*, 964167. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.964167

Maher, A., Cason, L., Huckstepp, T., Stallman, H., Kannis-Dymand, L., Millear, P., Mason, J., Wood, A., & Allen, A. (2022). Early maladaptive schemas in eating disorders: A systematic review. *European eating disorders review : the journal of the Eating Disorders Association*, *30*(1), 3–22. https://doi.org/10.1002/erv.2866

McCarthy, C. (2022). *Love, sex & marriage in the Middle Ages: a sourcebook*. Routledge.

Mehrpouya, F., Jajarmi, M., & Mousavi, E. A. (2022). The Inter-structural relationships between early maladaptive schemas and marital commitment of couples: The mediating role of communication patterns. *International Journal of Health Studies (Undergoing change to Shahroud Journal of Medical Sciences)*, 23-30. https://doi.org/10.22100/ijhs.v8i2.895

Nemati, M., Behmanesh, F., Kheirkhah, F., Geraili, Z., & Pasha, H. (2022). Marital Commitment and Mental Health in Different Patterns of Mate Selection: A Comparison of Modern, Mixed, and Traditional Patterns. *Iranian journal of psychiatry*, *17*(4), 418–427. https://doi.org/10.18502/ijps.v17i4.10691

Oei, T. P. S., & Baranoff, J. (2007). Young schema questionnaire: Review of psychometric and measurement issues. *Australian Journal of Psychology*, *59*(2), 78–86. https://doi.org/10.1080/00049530601148397

Pilkington, P. D., Karantzas, G. C., Faustino, B., & Pizarro-Campagna, E. (2023). Early maladaptive schemas, emotion regulation difficulties and alexithymia: A systematic review and meta-analysis. *Clinical psychology & psychotherapy*, 10.1002/cpp.2914. Advance online publication. https://doi.org/10.1002/cpp.2914

Robledo, J. P., Cross, I., Boada-Bayona, L., & Demogeot, N. (2022). Back to basics: A re-evaluation of the relevance of imprinting in the genesis of Bowlby's attachment theory. *Frontiers in psychology*, *13*, 1033746. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.1033746

Scharfe, E. (2021). Attachment theory. In *Encyclopedia of Evolutionary Psychological Science* (pp. 433-442). Cham: Springer International Publishing.

Thimm, J. C., & Chang, M. (2022). Early maladaptive schemas and mental disorders in adulthood: A systematic review and meta-analysis. *International Journal of Cognitive Therapy*, *15*(4), 371–413. https://doi.org/10.1007/s41811-022-00149-7

Thompson, R. A., Simpson, J. A., & Berlin, L. J. (2022). Taking perspective on attachment theory and research: Nine fundamental questions. *Attachment & Human Development*, *24*(5), 543–560. https://doi.org/10.1080/14616734.2022.2030132

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]